یادداشت روز

حکمت در تراز امام خامنه‌ای

«جمهوری اسلامی ایران» پیروز بزرگ انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ بود. به این عبارت باید فراتر از کلیشه‌ها نگریست. جمهوری اسلامی در ظرف شریفی به نام ایران و به اعتبار اراده مداوم جمهور خود که مانند جریان خون در رگ‌های نظام سیاسی است، قوام و دوام یافته است. در واقع جمهوری اسلامی و جمهور ایران مانند تار و پود به هم تنیده‌اند، هرچند که تلاش پیگیری از سوی بدخواهان ملت ایران در طول دهه‌ها صورت گرفت تا جمهوری ایرانی و جمهوری اسلامی معارض و مقابل هم جلوه کند. در همین سالهای اخیر، بدخواهان کوشیدند میان مردم و حاکمیت اعتمادزدایی و از نظام اعتبارزدایی کنند. دوستان جفاکاری هم بودند که با وجود دولت‌داری در طول ۳۰-۲۰ سال گذشته، بد عمل کردند و خواسته یا ناخواسته، به بدخواهان برای اعتمادزدایی و اعتبارزدایی یاری رساندند یا خانه‌های جدول آنان را پر کردند. برخی بانیان فتنه و انحراف از این دسته بودند که قصه پرغصه برخی اتفاقات ۱۵-۱۰ سال گذشته را تدارک کردند.

پیروزی جمهوری اسلامی ایران در حماسه جمعه ۲۴خرداد ۱۳۹۲، در واقع پیروزی مردم و رهبری است. تنها واشنگتن‌پست نبود که به فشار غرب برای تحریم اقتصادی و تحریم انتخابات اشاره کرد و نوشت «رهبر عالی ایران بی‌امان مردم را به شرکت در انتخابات تشویق می‌کرد و مردم ایران نیز اجابت و استقبال کردند و در عین حفظ آرامش، صف‌های طولانی در حوزه‌های رأی‌گیری تشکیل دادند.» فضای رسانه‌های خارجی و داخلی اکنون پر از تحلیل‌های مشابه واشنگتن‌پست است. همین پریروز بود که آقای عبدی عضو مستعفی حزب مشارکت گفت «من وقتی با اکثر تحلیل‌گران صحبت می‌کنم، نخستین حس‌شان این است که در برابر رفتار مردم باخته‌اند. مردم نشان دادند در امور مهم خود نه تحت تأثیر رسانه‌های خارجی و فضای مجازی و نه جو مأیوس کننده برخی نیروهای سیاسی داخلی هستند... شخصا معتقدم رهبری نظام بیشترین نقش را در این زمینه داشت. وقتی حکومتی ۴ سال تحت فشار تبلیغاتی درباره مسائلی نظیر کودتای انتخاباتی قرار دارد اما در نهایت انتخاباتی را برگزار می‌کند که بیش از ۷۰درصد مردم در آن شرکت می‌کنند و بسیار آرام و قابل اعتماد برگزار می‌شود، این یک پیروزی عظیم برای حکومت و کشور و مصداق واقعی حماسه است». و در تعاقب همین درک و فهم است که وبسایت ضدانقلابی گویانیوز تصریح می‌کند «ما پیش از این نیز در مقاله‌ای با عنوان در ستایش سیدعلی خامنه‌ای از هوشمندی او نوشته بودیم. محورهای سخنرانی او مولفه‌های مهندسی کردن انتخابات را در خود داشت. انتخابات با همان شور و نشاطی که رهبر جمهوری اسلامی می‌پسندید و سالم و بدون تقلب- و به قول هاشمی رفسنجانی بی‌هیچ شبهه‌ای- برگزار شد و نشان داد رعایت ساز و کارهای دموکراتیک در حکومت اسلامی و مفهوم مردم‌سالاری دینی در عمل وجود دارد و نظر و آرای مردم محترم شمرده می‌شود و حکومت اسلامی تجلی حاکمیت ملی است. با اثبات سلامت انتخابات، شایعه تقلب در سال ۸۸ نیز به عنوان مشتی جعلیات ثبت در تاریخ شد. این‌گونه است که رهبر به همه اهدافش دست یافته و باید به [آیت‌الله] سیدعلی خامنه‌ای یک دست مریزاد دیگر گفت».

شاید برای برخی تحلیل‌گران غریب بود که مقتدای حکیم انقلاب دو روز پیش از انتخابات و در دیدار اقشار مختلف مردم فرمودند «من توصیه اول و اهمّم، حضور در پای صندوق‌های رأی است. این از همه‌چیز مهم‌تر است برای کشور. ممکن است بعضی‌ها- حالا به هر دلیلی- نخواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت کنند اما از کشورشان که می‌خواهند حمایت کنند، آنها هم باید بیایند پای صندوق رأی. همه باید بیایند پای صندوق‌های رأی... کشور ما دشمن دارد، معارض دارد. در عرصه بین‌المللی، دشمن بین‌المللی دشمنی نیست که با رودربایستی و با من بمیرم، تو بمیری کنار بکشد؛ در دنیا این‌جوری نیست که با رودربایستی بگوییم طرف را خجالت‌زده کنیم، مثلا عقب بکشد. نه خیر هر چه شما ضعف نشان بدهید او می‌آید جلو؛ هرچه شما عقب بکشید، او جری‌تر می‌شود. این را ما تجربه کردیم؛ یک جاهایی عقب کشیدیم، دشمن ما جری‌تر شد؛ یک چیزی او گفت، ما به خیال مصلحتی حرف او را قبول کردیم، دیدیم پایش را گذاشت روی آن حرف، یک قدم آمد جلو. دشمن این‌جوری است...».

چند سال پیش برخی مطبوعات آمریکایی نوشتند که رابرت گیتس به هنگام تصدی ریاست‌سازمان سیا تکیه کلام ویژه‌ای داشت مبنی بر اینکه ایرانی میانه‌رو و معتدل وجود ندارد و ایرانی میانه‌رو، ایرانی مرده است! تاریخ یکصد سال اخیر ایران انباشته از این حقیقت است که قدرت‌های زورگوی عالم فقط با انقلابیون مسلمان و عالمان دینی در ایران سرستیز نداشتند بلکه مبارزان میهن‌دوست و طرفداران استقلال ایران را نیز تحمل نکردند. درباره کارنامه دکتر محمدمصدق حرف و حدیث و نقد فراوان است اما آنچه مسلم است اینکه او می‌گفت اجرای احکام اسلامی به من ارتباطی ندارد و من فقط دنبال ملی کردن نفت ایرانم. او به آمریکا خوش‌گمان بود و بارها به امید دیدن دم آمریکا و مهار انگلیس به نیویورک رفت و مذاکره کرد اما این تکاپوی پردامنه مانع از خیانت آمریکا و همراهی با پروژه ام‌آی‌سیکس انگلستان در اجرای پروژه کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نشد. تجربه دورتر، نهضت مشروطیت (۱۲۸۵شمسی) و سپس روی کار آمدن استبداد رضاخانی به واسطه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ است. سیاست انگلیسی تفرقه بینداز و نابود کن در نهضت مشروطیت به ثمر نشست و حاصل خون دل انقلابیون را به غارت برد. وقتی توانستند میان سران نهضت (از جمله شیخ فضل‌الله نوری، سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی و...) اختلاف بیندازند و آنها را به هم بی‌اعتماد کنند، اولین ضربه مهم به نهضت خورد و آخرالامر، اعتبار کلیت نهضت زیرسوال رفت و سرانجام در فضای ناامیدی عمومی، استبداد بازگشت و انگلیس ظرف چند سال ، فعال مایشاء ایران برای حداقل ۲۰ سال شد.

آن روز فریاد شیخ‌فضل‌الله نوری خطاب به همرزمان سابق خود شنیده نشد که «ایها الناس من به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نیستم بلکه من مدخلیت خود را در تاسیس این اساس بیش از همه کس می‌دانم... اختلاف میان ما ولامذهب‌هاست که منکر اسلامیت و دشمن دین حنیف‌اند»و «آنچه خیلی لازم است برادران بدانند و از اشتباه‌کاری خصم بی‌مروت بی‌دین تحرّز نمایند این است که چنین ارائه می‌دهند که علما دو فرقه شده‌اند و با هم حرف دینی دارند و با این اشتباه کاری، عوام بیچاره را فریب می‌دهند که یک فرقه مجلس‌خواه و دشمن استبدادند و یک فرقه ضدمجلس و دوست استبداد! لابد عوام بیچاره می‌گویند حق با آنهاست که ظلم و استبداد را نمی‌خواهند افسوس که این اشتباه با هر زبانی و به هر بیانی بخواهیم دفع شود، خصم بی‌انصاف نمی‌گذارد». کمتر از یک سال پس از شهادت مظلومانه شیخ فضل‌الله نوری به دست یفرم‌خان‌ارمنی، سیدعبدالله بهبهانی (ظاهرا طیف مقابل شیخ) از سوی کمیته دهشت (باند تروریستی وابسته به حیدرخان عمو اوغلی) ترور شد و آیت‌الله طباطبایی با غصه گفت «سرکه ریختیم، شراب شد». پس از آن نیز آزادیخواهان وطندوست -ولو بی‌ادعا درباره تشکیل حکومت اسلامی- یکی پس از دیگری ترور و محبوس و تبعید شدند.

صدسال پس از آن ماجرا- مهرماه ۱۳۸۷- پایگاه اینترنتی پیک‌نت وابسته به ضد انقلاب خارج نشین، از ملاقات همکار خود با آقای «ح» از مشاوران ارشد آقای خاتمی در یکی از ساختمان‌های ریاست‌جمهوری واقع در خیابان نوفل لوشاتو و در تاریخ سوم مرداد ۱۳۸۴ خبر می‌دهد. آقای «ح» [عضو مرکزیت حزب منحله مشارکت] در این ملاقات مخفیانه که ۳ سال بعد فاش می‌شود، به خبرنگار می‌گوید «ترجیح می‌دهم درباره خاتمی صحبت نکنم مبادا که به او بر بخورد. او با ما تفاوت داشت. خاتمی روحانی بود و گروه خونی‌اش بیشتر به مجمع روحانیون می‌خورد. حزب مشارکت ما هم با مجمع خیلی فرق دارد. هر چند خاتمی در بین اعضای مجمع بهترین است. مجمع روحانیون، بدترین خیلی دارد. ما از ابتدا هم می‌دانستیم خاتمی با ما فرق دارد. بین اجزای سیستم فکری او سازگاری وجود ندارد. او آخرین میخ را بر تابوت اصلاحات زد». وقتی کسانی بتوانند درباره یک هم‌جناحی دیرین خود چنین سخن بگویند و او را با شاه‌سلطان حسین بی‌کفایت و اردک‌لنگ و... مقایسه کنند، چرا باید با نامزد مدعی حمایت از او (آقای روحانی) در انتخابات سال ۹۲ که مواضعی به مراتب اصولی‌تر از خاتمی دارد، همدلی کنند و حرمت وی را پاس دارند؟! باید به تدبیر آقای روحانی در این باب آفرین گفت که در همین مصاحبه دیروز تصریح کرد رئیس‌جمهور ملت ایران است و نه نامزد اشخاص و گروه‌های سیاسی. این یعنی که رئیس‌جمهور منتخب خود را بدهکار گروه‌های خاص نمی‌داند. البته یک جمله از همین آقای «ح» به یادگار مانده که شهریور ۱۳۹۱ در مصاحبه با نشریه اندیشه پویا تصریح کرد «مجمع روحانیون در دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی با وی مشکل پیدا کرده بود... هاشمی یک گیر داشت و می‌گفت انگار مرکز تحقیقات استراتژیک را که زمانی در دست موسوی خوئینی‌ها بود، تبدیل به تحریریه روزنامه سلام کرده‌اند. ولی ما گفتیم باید با هاشمی کار کرد و او را رها نکرد. هاشمی هر نظری داشته باشد، ما کار خودمان را می‌کنیم. من و بهزاد نبوی تا دوم خرداد ۷۶ در مرکز تحقیقات استراتژیک بودیم».

«جمهوری اسلامی ایران» پیروز بزرگ ماجرای حماسی روز جمعه ۲۴خرداد است و تنها بازندگان این جشن بزرگ ملی، کسانی هستند که برای مردم و نظام دام گستردند و ۴ سال پیش کشور را به آغوش بی‌ثباتی و بی‌قانونی بردند. آنها اکنون به توهم پیروزی، خود را لو داده و می‌گویند هیچ شبهه‌ای در این انتخابات وجود ندارد و دموکراسی پیروز شده است؛ در واقع شهادت می‌دهند دموکراسی را صرفا هنگامی می‌پذیرند که پیروز باشند وگرنه حاضرند خانه‌های جدول دشمن را پر کنند. قرآن درباره این قبیل می‌فرماید: «ای پیامبر بگو آیا آگاه کنیم شما را که زیانکارتر از همه در عمل کیست؟ آنها که تلاش‌شان در زندگی دنیا نابود شد و گمان می‌برند که نیکو عمل کرده‌اند» (آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف).

محمد ایمانی

تحلیل رسانه‌های خارجی:

تغییری در سیاست هسته‌ای ایران بوجود نخواهد آمد

با گذشت چند روز از انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، رسانه‌های خارجی تحلیل‌های گوناگونی درباره سیاست هسته‌ای دولت جدید ایران منتشر می‌کنند.

روزنامه آمریکایی «وال‌استریت ژورنال»، دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی اعلام کردند که دولت «باراک اوباما» و همپیمانان اروپایی این کشور که از انتخاب «حسن روحانی» بعنوان رئیس جمهور بعدی ایران، شگفت‌زده و دلگرم شده‌اند، تا ماه آگوست (مردادماه) درصدد هستند تا فوراً برای از سرگیری مذاکره با تهران در خصوص برنامه هسته‌ای این کشور اعمال فشار کنند و مواضع دولت جدید ایران را مورد آزمایش قرار دهند.

مقامات آمریکایی و اروپایی روز یکشنبه اعلام کردند که بر این باورند که سیاست کلی هسته‌ای ایران تا حد بسیار زیادی تحت مدیریت رهبری ایران است.

دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی اعلام کردند که واشنگتن و بروکسل تمایل دارند هر چه سریعتر این مسئله را تحت آزمایش قرار دهند که آیا پیروزی روحانی می‌تواند مواضع دولت ایران در خصوص برنامه هسته‌ای این کشور را نرم‌تر کند یا به شکاف بیشتر ایران و غرب منتهی می‌شود.

وال‌استریت ژورنال در ادامه گزارش خود تأکید کرد که انتخاب روحانی چالشی برای اسرائیل در زمینه ترغیب جامعه بین‌المللی برای افزایش فشارها به ایران به وجود می‌آورد به طوری که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل روز یکشنبه با اشاره به اینکه ایران، اسرائیل را یک شیطان صهیونیست می‌داند، به کابینه اسرائیل گفت: جامعه بین‌الملل نباید در افکار واهی گرفتار شود.

«باربااسلاوین» کارشناس ارشد شورای آتلانتیک نیز در گزارشی در این‌باره نوشت: روحانی قطعاً بر حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم تأکید خواهد کرد، مسئله‌ای که وی در جریان تصدی پست مذاکره‌کننده ارشد ایران نیز بر آن پافشاری می‌کرد. وی سال ۲۰۰۵ در گفت‌وگو با اسلاوین گفت که ایران خواستار روابط بهتری با آمریکاست اما از چرخه سوخت هسته‌ای خود دست نکشیده و به تهدیدهای آمریکا پاسخ مثبت نمی‌دهد.

خبرگزاری آناتولی ترکیه در تحلیلی با اشاره به پیروزی حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نوشت: روحانی پس از انتخابات به عنوان رئیس جمهور جدید ایران برنامه کاری شلوغ و دشواری را پیش‌رو دارد.

به نوشته این خبرگزاری، او پس از گرفتن دولت از محمود احمدی‌نژاد، در درجه اول باید برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌های اعمالی غرب را در دستور کار خود قرار دهد. البته این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که در بسیاری از مسائل استراتژیک مانند موضوع هسته‌ای و سوریه نظر رهبر ایران بسیار مهم است. اما با توجه به حوزه محدود عملکرد ایران در اقتصاد کشور، مسئولیت اصلی برعهده رئیس جمهور جدید است.

خبرگزاری آناتولی با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران نوشت: روحانی در مسأله هسته‌ای ایران نمی‌تواند تغییر چندانی ایجاد کند اما می‌تواند در این مسأله از زبان نرم‌تری در مقابل غرب استفاده کند. با توجه به این که وی در گذشته به عنوان دبیر شورای امنیت ملی، مذاکره کننده ارشد هسته‌ای بوده و در مذاکرات زبان نرم به کار برده است، اکنون نیز روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران با استفاده از تجربیات گذشته، در بلند مدت امکان باز شدن درهای دیپلماتیک را فراهم می‌کند.

به نوشته این خبرگزاری، البته این واقعیت نباید فراموش شود که هر کسی بر مسند ریاست جمهوری ایران بنشیند از برنامه هسته‌ای‌اش که همواره بر صلح‌آمیز بودن آن تأکید می‌کند، دست بر نداشته و یک گام عقب‌نشینی نمی‌کند.

اسرائیل باید لحن خود را تغییر دهد

با مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران و روی کارآمدن «حسن روحانی» به عنوان رئیس جمهور جدید، خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی به بررسی پیامدهای احتمالی این امر در عرصه جهانی پرداخته و نوشته است که این انتخاب می‌تواند توان آمریکا و اسرائیل را برای تهدید نظامی ایران کاهش دهد.

این خبرگزاری در ابتدای گزارش آقای روحانی را فردی معتدل و میانه‌رو معرفی کرده و آورده است: حالا که روحانی در قامت فردی تنش‌زدا ظاهر شده، احتمالاً کسانی که در اسرائیل و آمریکا استفاده از گزینه نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران را پیگیری می‌کردند، برای یافتن مخاطب به دشواری بیفتند.

آسوشیتدپرس سپس اذعان کرده است که روی کارآمدن رئیس جمهور جدید تغییری در سیاست‌های ایران در زمینه‌هایی چون پرونده هسته‌ای و درگیری‌ها در سوریه ایجاد نمی‌کند.

یک تحلیلگر مقیم فلسطین اشغالی در مصاحبه با آسوشیتدپرس می‌گوید: با روی کار آمدن یک رئیس جمهور میانه‌رو به جای احمدی‌نژاد، اسرائیل مجبور است لحن خود را تغییر دهد.

وی می‌افزاید: دیگر تاریخ انقضای تکرار مداوم عبارت «همه گزینه‌ها روی میز است» گذشته است.

پایگاه آمریکایی ورلدتریبیون نیز در تحلیلی با اشاره به پیام رهبر معظم انقلاب به ملت و رئیس جمهور منتخب نوشت: رئیس جمهور برگزیده ایران از متحدان رهبر این کشور است.

شیخ دیپلمات

نیویورک تایمز که از رئیس جمهور منتخب ایران به عنوان «شیخ دیپلمات» یاد کرد در گزارشی نوشت: که وی در دوران مسئولیت خود در مواجهه با مواردی چون ۱۸ تیر، زلزله‌های مخرب و مسئله هسته‌ای، همواره به دنبال یافتن راه‌های عملی برای پیش‌برد اهداف مد نظر رهبری ایران بوده است.

نیویورک تایمز همچنین در بخش دیگری از گزارش خود از آقای روحانی به عنوان یک «واقع‌گرای محتاط» نام برده است و بخش‌هایی از زندگی‌نامه وی را برای مخاطبان خود تشریح کرده است.

خبر ویژه

۴ سال جفا در حق یک ملت به خاطر کامیابی یا ناکامی انتخاباتی!

موضع غیرقابل توجیه هاشمی درباره دو انتخابات ۸۸ و ۹۲ صرفا به خاطر پیروزی یا ناکامی نامزد موردنظر وی، اعتراض محافل رسانه‌ای را برانگیخته است.

هاشمی پس از اعلام نتیجه انتخابات به درستی اعلام کرد: «اگر دشمنان جمهوری اسلامی ایران ذره‌ای انصاف داشته باشند، باید بپذیرند که ایران دموکرات‌ترین انتخابات دنیا را برگزار کرد و هیچ شبهه‌ای نمی‌توانند به آن وارد کنند.»

سایت جهان نیوز در این باره نوشت: در حالی که افکار عمومی میزان «شبهه آفرینی»های هاشمی رفسنجانی در سلامت انتخابات ۸۸ و نقش فرزندانش در آشوب‌های خیابانی را فراموش نکرده است، وی بدون هیچ توضیحی درباره اینکه به چه علت در آن برهه در برابر رای مردم و رئیس‌جمهور منتخب تمکین نکرد، انتخابات اخیر را دموکرات‌ترین انتخابات دنیا توصیف کرده است. البته موضع اخیر آقای هاشمی نه تنها محل خدشه نیست بلکه اعتراف به حقیقتی دیرینه است که در سال ۸۸ توسط وی و همفکرانش زیر سؤال قرار گرفت. به عبارت دیگر هاشمی، همسرش، فرزندانش و دیگر حامیان وی باید به این سؤال اساسی پاسخ دهند که آیا روند برگزاری یا دولت برگزارکننده انتخابات سال ۸۸ تفاوتی با سال ۹۲ کرده یا آنها دموکراسی را «به شرط چاقو» قبول دارند و زمانی که کاندیدای موردنظرشان توسط ملت انتخاب شود، با ذوق‌زدگی هر چه تمام آن را «دموکرات‌ترین انتخابات دنیا» می‌دانند و اگر فردی غیر از آن کسی که موردنظر آنها باشد توسط مردم انتخاب شود، در آن انتخابات تقلب شده و باید با حضور در کف خیابان‌ها به آشوب و کودتا علیه اراده ملت دست زد؟

این تحلیل می‌افزاید: باید توجه داشت که همان شورای نگهبان و وزارت کشوری که ۴ سال قبل در معرض اتهام تقلب ۱۱ میلیونی قرار داشت، امروز حتی حاضر نیست یک درصد آرای حسن روحانی (تقریبا ۲۷۰ هزار رای) را جابه‌جا کند تا بواسطه آن، انتخابات را به دور دوم بکشاند و در نهایت با استفاده از این ظرفیت، فرصتی برای ناکامی او در انتخابات فراهم سازد؛ نکته‌ای که تامل در آن، اوج میزان سلامت برگزاری انتخابات در ساز و کار جمهوری اسلامی را به خوبی به رخ جهانیان و تمامی کشورهای مدعی دموکراسی و انتخابات آزاد می‌کشاند.

جهان نیوز تصریح کرد: با آشکار شدن بیش از پیش ماهیت واقعی مدعیان دروغ تقلب در انتخابات، به نظر می‌رسد باید نسبت به محاکمه سران فتنه ۸۸ به صورت جدی مبادرت شود. چرا که این روزها خیانت بزرگ آنها به مردم و نظام در سال ۸۸ حتی بر دشمنان و رسانه‌های بیگانه نیز آشکار شده است.

در همین حال وب سایت «تریبون مستضعفین» ضمن اشاره به رأی ۵۰/۷درصدی فرد منتخب انتخابات نوشت. این ۰/۷درصدی که انتخاب را به دور دوم نکشاند و روحانی را یکسره به عنوان رئیس‌جمهور منتخب معرفی نمود، شاهد بزرگی بر حقانیت نظام جمهوری اسلامی ایران در فتنه سبز است. فتنه‌سبز با ادعای تقلبی بودن رأی مردم و به منظور وتو کردن جمهوریت نظام آغاز شد و فرصت‌های طلایی جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و بین‌المللی را در آستانه بیداری اسلامی هدر داد. بدون تردید نظامی که قابلیت تقلب ۲۴میلیونی را داشته باشد، امکان حذف ۲۶۰هزار رأی برای او به سادگی آب خوردن است اما امانتداری نظام در حفظ این ۰/۷درصد، تمام تهمت‌های چهار سال گذشته را نقش بر آب کرد.

این رسانه می‌افزاید: انفعال و سکوت نظام‌های سیاسی و رسانه‌های غربی در تحلیل سلامت انتخابات ایران قابل درک است و جز این انتظار نمی‌رود اما اقرار به اشتباه از جانب بخشی از مسئولین سابق که در آتش فتنه به بهانه تقلب دمیده بودند انتظار چندان زیادی نیست. به هر حال عمده ضرباتی که متوجه نظام شد ناشی از خطای عمدی یا سهوی ایشان است و بر عاملان آن فرض است که نسبت به این پارادوکس، موضع شفافی بگیرند. اگر شما اعتمادی به جمهوری اسلامی ندارید، چگونه و با چه توجیهی در انتخابات شرکت و از کاندیدای خاصی حمایت می‌کنید؟ مگر شما نبودید که نظام را متهم به عدم صیانت از آراء مردم نمودید، حال چگونه است که با پیروزی کاندیدای دلخواه بر سلامت انتخابات صحه می‌گذارید؟ ناخودآگاه ما را به یاد کودکانی می‌اندازید که چون در بازی پیروز می‌شوند فریاد ظفرشان طنین‌انداز می‌شود و چون می‌بازند جر می‌زنند و قواعد بازی را به هم می‌ریزند. این پیروزی با ۰/۷ درصد، پیروزی ۱۰۰درصدی برای جمهوری اسلامی است.

سنگ پای اصل از جنس اصلاح‌طلبان تحریمی!

نامزد حذف شده اصلاح‌طلبان، طیف متبوع خود را به چالش کشید.

محمدرضا عارف در مصاحبه با ماهنامه مدیریت ارتباطات، به ترور شخصیت انجام گرفته از سوی طیفی از اصلاح‌طلبان -از جمله مدعیان جنبش و حزب مشارکت و ...- اشاره کرد و گفت: [پس از اعلام نامزدی] برچسب‌هایی به من زده شد، اصلا جواب ندادم از جمله اینکه گفتند عارف زود اعلام کاندیداتوری کرده، جواب ندادم، گفتند اصلاح‌طلب بدلی است جواب ندادم. هرچه گفتند را با نگاهی که به آینده داشتم جواب ندادم. آگاهانه جواب ندادم. اول اینکه بدلی به من نمی‌چسبید، من شخصیت دوم دولت اصلاح‌طلبان بودم. مسیر خودمان را جلو رفتیم. رایزنی‌هایی می‌کردیم، مشورت‌هایی می‌کردیم. خوشبختانه اولین گام را برداشتیم.

وی اضافه کرد: موفق شدیم پرونده تحریم انتخابات ریاست‌جمهوری را در ماه‌های آبان و آذر ۹۱ ببندیم. گفتیم مسیر خودمان را ادامه می‌دهیم.

وی می‌افزاید: خط قرمز را از اول ترسیم کردیم. گفتیم خط قرمز ما ارزش‌ها، آرمان‌ها و قانون‌اساسی است. برای اینکه همه چیز روشن و شفاف باشد که چه کار می‌کنیم.

معنای اظهارات عارف که واقعیت هم دارد این است که شاکله اصلی جریان اصلاح طلبی برخلاف ادعای امروز که به بهانه پیروزی آقای روحانی، از دولت جدید سهم می‌خواهد، اساسا هیچ سهمی در انتخابات نداشته و دنبال تحریم انتخابات بوده‌اند. آنها در این راه آن‌قدر مصمم بودند که حتی معاون اول دولت خاتمی را اصلاح‌طلب قلابی و بدلی معرفی کردند چرا که خط تحریم را شکسته و نامزد انتخابات شده بود. با این وصف خیلی وقاحت می‌خواهد که حالا همان طیف، مدعی سهم از انتخابات و پیروزی آقای روحانی باشند.

پیروزی بزرگ حزب‌الله نفوذ منطقه‌ای ایران را وسعت بخشید

ایران در حال تبدیل شدن به طرف پیروز در جنگ سوریه است.

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست ضمن انتشار این مطلب نوشت: با کمکی که نیروهای حزب‌الله به ارتش سوریه کردند، ایران به عنوان حامی اصلی آنها، به عنوان بزرگ‌ترین پیروز این مناقشه منطقه‌ای در خاورمیانه ظهور کرده است.

این روزنامه نوشت: پس از آنکه ارتش سوریه به کمک حزب‌الله شهر راهبردی القصیر را از چنگ شورشیان خارج کرد، دوستان و هم دشمنان ایران به یک حقیقت جدید پی بردند و آن اینکه توازن قوا در منطقه به سمتی پیش می‌رود که مطلوب تهران است و نیز اینکه تحولات سوریه ثابت کرده که خاورمیانه هنوز با پیامدهای «بهار عربی» (بیداری اسلامی) دست و پنجه نرم می‌کند.

این روزنامه می‌افزاید: موفقیت ایران در سوریه می‌تواند در ابعاد دیگری نیز خود را نشان دهد بطور مثال این پیروزی بر برنامه هسته‌ای ایران، عراق و لبنان و حتی برخی موارد دیگر نیز موثر است. بدین ترتیب سیاست‌های منطقه‌ای ایران گسترش یافته و حتی موجب افزایش اعتبار آن نیز می‌شود.

واشنگتن‌پست معتقد است: اسد ثابت کرد به راحتی و به تنهایی نمی‌تواند در این بحران دست برتر داشته باشد، از این رو با ورود نیروهای حزب‌الله به سوریه موفقیت ارتش در جنگ با شورشیان قطعی شد. از آنجا که حزب‌الله بخشی از راهبرد ایران به شمار می‌آید وضعیت اخیر سوریه یک پیروزی برای بلوک ایران، سوریه، عراق و حزب‌الله در برابر بلوکی است که از سوی آمریکا حمایت می‌شوند. شورشیان در حالی شکست می‌خورند که از آغاز بحران سوریه تاکنون غرب با همراهی کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس و ترکیه تلاش گسترده‌ای را برای ساقط کردن حکومت اسد انجام دادند.

همزمان روزنامه لبنانی الاخبار در تحلیلی نوشت: جنگ القصیر و آزادسازی این منطقه استراتژیک اولین تمرین هجومی حزب‌الله بود. حزب‌الله تا پیش از نبرد القصیر که در آن به یاری ارتش سوریه شتافت و در آزادسازی این شهر نقش داشت، هیچگونه حمله تهاجمی نداشته و تنها به دفاع می‌پرداخت.

الاخبار درخصوص این مساله که لبنانی‌های زیادی در روستاهای مرزی با سوریه زندگی کرده و حزب‌الله به حمایت از آنها می‌پردازد، نوشت: آزادسازی القصیر نتایج زیادی داشت که از جمله آنها ممانعت از قاچاق سلاح و تردد عناصر مسلح بین دو کشور بود.

الاخبار درخصوص به راه افتادن جنگ سنگین در القصیر نوشت: القصیر، بخش جداناپذیر از معرکه دمشق و اطراف آن بود و علاوه بر آن یکی از شهرهای مهم استان حمص و از منظر راهبردی در منطقه‌ای بسیار مهم قرار دارد که برخی از شهرهای مهم سوریه را به یکدیگر مرتبط می‌کند.

گفت و شنود

موز

گفت: سایت‌های وابسته به جبهه اصلاحات و گروه‌های اپوزیسیون بدجوری کیهان را به باد فحش و ناسزا گرفته‌اند!

گفتم: کار همیشگی آنهاست. حالا این دفعه دیگر با چه بهانه‌ای؟!

گفت: می‌گویند چرا کیهان نوشته است رأی روحانی مال اصلاح‌طلبان نیست و اصلاح‌طلبان مدیون روحانی هستند نه این که روحانی مدیون آنها باشد.

گفتم: کیهان برای نظر خود چند دلیل محکم آورده است، چرا اصلاح‌طلبان به جای پاسخ، فحاشی می‌کنند؟!

گفت: اصلا، این اصلاح‌طلبان اگر رأی داشتند چرا نامزد اصلی خودشان را کنار گذاشتند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! به قول شاعر

موز را زور و قوتی گر بود
کمر خویش راست می‌فرمود!

نکته

احضاریه !

دیروز پایگاه اطلاع‌رسانی دولت از احضاریه‌ای که دادگاه برای دکتر احمدی‌نژاد فرستاده است خبر داد. به گزارش این پایگاه «شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور را با شکایت علی لاریجانی، رئیس‌مجلس شورای اسلامی به دادگاه احضار کرده است». تاریخ رسیدگی به این شکایت ۵ آذرماه ۱۳۹۲ یعنی نزدیک به ۴ ماه بعد از پایان مسئولیت ۸ساله رئیس‌جمهور محترم تعیین شده است!

خبر شکایت از رئیس‌جمهور و احضار ایشان به دادگاه بلافاصله پس از اعلام در صدر اخبار رسانه‌های خارجی قرار گرفت و در داخل کشور این پرسش را پدید آورد که چه کسانی و با چه انگیزه‌ای دست به اینگونه اقدامات می‌زنند؟! آیا مسئولان محترم قوه قضائیه از صدور و ابلاغ این احضاریه برای رئیس‌جمهور محترم باخبر بوده‌اند؟ اگر پاسخ مثبت است، کدام انگیزه و چه ضرورت فوری و فوتی در میان بوده است که تأخیر در صدور و ابلاغ این احضاریه را جایز ندانسته! و برای ابلاغ آن در شرایط حساس کنونی کشور عجله داشته‌اند؟! آنهم احضاریه‌ای که با تاریخ تشکیل دادگاه بیش از ۶ماه فاصله دارد؟!

این اقدام دستگاه قضایی، در شرایط حساس کنونی که انتخابات پرشور و حماسی اخیر، دشمنان بیرونی نظام را با حیرت آمیخته به عصبانیت روبرو کرده است حرکتی فراتر از یک «اقدام نسنجیده» است و اگر کار برخی از نفوذی‌های بدخواه مردم و مسئولان محترم قضایی نباشد به یقین پای بی‌تدبیری در میان است که شایسته دستگاه قضا نیست و در هر حال حرکتی جفاکارانه در حق رئیس‌جمهوری است که اگرچه طی چندماه اخیر نمونه‌هایی از اقدامات و مواضع غیرقابل دفاع داشته است ولی خدمات بی‌وقفه و فراوان ایشان در بسیاری از زمینه‌ها با هیچ دولت دیگری حتی قابل مقایسه هم نیست. آیا شرط انصاف و رسالت تقدیر از آن همه زحمات و خدمات دکتر احمدی‌نژاد، ارسال احضاریه برای ایشان است؟!

و اما، چنانچه مسئولان محترم دستگاه قضایی کشور از این اقدام بی‌خبر بوده‌اند و کسانی دور از چشم-ان‌شاءالله تیزبین!- آنها برای دومین شخصیت بلندپایه نظام برگه احضاریه به دادگاه فرستاده‌اند، این افراد چه کسانی هستند؟! و از این اقدام چه انگیزه‌ای داشته‌اند؟!

ممکن است گفته شود که دستگاه قضایی مصلحت‌اندیش نیست و نمی‌تواند در انجام وظیفه و رسالت قضایی خود کوتاهی کند! که در این صورت باید پرسید، اولا؛ چرا احضاریه برای دادگاهی که ۶ماه دیگر نوبت آن است، امروز فرستاده می‌شود؟ آیا مسئولان محترم قضایی احتمال می‌داده‌اند بعد از پایان دوره مسئولیت آقای احمدی‌نژاد، دسترسی به ایشان نداشته باشند؟! که اگر اینگونه هم باشد، هنوز ۲ ماه تا پایان دوران ریاست‌جمهوری دکتر احمدی‌نژاد فرصت داشته‌اند! و اساسا مگر شخصیتی مانند احمدی‌نژاد می‌تواند بعد از پایان مسئولیت، مجهول‌المکان! باشد؟! ثانیا؛ آیا دستگاه محترم قضایی در موارد مشابه دیگر نیز با همین سرعت و قاطعیت! برخورد می‌کند؟! یعنی احساس مسئولیت آقایان محترم فقط در برخورد با رئیس‌جمهور برانگیخته می‌شود؟!

حسین شریعتمداری

دیدار نامزدهای انتخابات با رئیس‌جمهور منتخب

سه نفر از کاندیداهای یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری با حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم دیدار و گفت‌وگو کردند.

سعید جلیلی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری روز گذشته به دیدار حسن روحانی رفت و موفقیت وی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری را تبریک گفت.

همچنین محسن رضایی دبیرمجمع تشخیص مصلحت نظام، عصر یکشنبه با حسن روحانی منتخب مردم ایران برای پست ریاست‌جمهوری آینده دیدار کرد.

این نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در این دیدار با تبریک پیروزی حجت‌الاسلام روحانی در خصوص برنامه‌ها و نحوه اداره کشور با منتخب ملت بحث و گفت‌وگو کرد.

محمدباقر قالیباف هم با روحانی دیدار کرد و موفقیت وی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری را تبریک گفت.

در نامه‌ای عنوان شد

تبریک د